

مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی

۲۰۱۷-۲۰۱۵

ناصر پورحسن*

چکیده

سیاست خارجی عربستان پس از به قدرت رسیدن ملک سلمان کاملاً متحول شده است. ویژگی مهم جهت‌گیری سیاست خارجی سعودی‌ها از سال ۲۰۱۵، فعال شدن در منطقه خاورمیانه و رویکرد تهاجمی علیه جمهوری اسلامی بوده است. هدف این مقاله، تبیین جهت‌گیری سیاست خارجی دو سال نخست پادشاهی ملک سلمان علیه ایران است که از معبر این سؤال به پژوهش گذاشته شده است: رویکرد سیاست خارجی عربستان علیه جمهوری اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله اینگونه صورتبندی شده است: سیاست خارجی عربستان علیه جمهوری اسلامی پس از به قدرت رسیدن ملک سلمان تا اواخر سال ۲۰۱۷ را می‌توان ذیل عنوان «جنگ هیبریدی» تحلیل کرد. دیپلماسی، حمایت از ناآرامی‌های محلی، جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا، حملات سایبری، جنگ اقتصادی، نیروهای نظامی متعارف، نیروهای ویژه، و نیروهای نامنظم؛ مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران هستند. عقلانیت رفتاری و گفتاری مجموعه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی طی دو سال اخیر از گذار ایران و عربستان از مرحله هیبریدی به جنگ تمام عیار ممانعت کرده است. فرضیه این مقاله به روش تحلیل توصیفی پردازش شده است.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی، عربستان، جنگ هیبریدی، سوریه، ملک سلمان

۱. مقدمه

خاورمیانه، همواره عرصه رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده است. برخی کشورها مانند ایران، غالباً در سطح قدرت منطقه‌ای مطرح بوده‌اند اما کشورهایی چون

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) Na.pourhassan@abru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۹

مانند عربستان در مقاطع خاصی، به دنبال تبدیل به قدرت منطقه‌ای بوده‌اند... به نظر می‌رسد روندهای نوظهور منطقه‌ای که از سال ۲۰۰۳ در خاورمیانه آغاز شده بود، در تقارن با تغییر سیاست خاورمیانه‌ای قدرت‌های بزرگ و جابجایی قدرت در عربستان موجب شده این کشور تحرکات گسترده‌ای برای دستیابی به مقام قدرت منطقه‌ای انجام دهد. تحولات خاورمیانه پس از به قدرت رسیدن ملک سلمان در سال ۲۰۱۵ به مرحله غیرقابل بازگشتی رسیده و این منطقه وارد گذار ژئوپلیتیک و مقاومت در برابر شده است. (Saikal, 2016) عربستان که پیشتر بازیگری محافظه کار بود، در سایه قبض قدرت برخی کشورهای عربی مانند عراق، سوریه و مصر کوشیده نظم مورد نظر خود را نقطه جوش تغییر ژئوپلیتیک قدرت در منطقه، فراگیر نماید و از جانب جامعه جهانی به عنوان قدرت منطقه‌ای به رسمیت شناخته شود. «شناسایی قدرت منطقه‌ای این فرصت را در اختیار کشور قرار می‌دهد تا نماینده مسائل منطقه در سطح جهانی باشد.» (ولگی، ۱۳۹۵: ۱۶۲-۱۶۳) عربستان از مجرای تعریف جمهوری اسلامی به عنوان «دگر» منطقه‌ای» به کنشگری پرداخته‌است.

پس از این مجموعه تحولات، سیاست خارجی عربستان با به قدرت رسیدن ملک سلمان به گونه بی‌سابقه‌ای علیه ایران تهاجمی شد که نه تنها روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد بلکه رویارویی همه‌جانبه با ایران به مهمترین اولویت سیاست خارجی عربستان تبدیل شد. پیدایش این وضعیت، مساله اصلی این مقاله است. براین اساس سؤال اصلی مقاله این است: «رویکرد سیاست خارجی عربستان در دوره ملک سلمان علیه جمهوری اسلامی با تاکید بر سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ چگونه بوده‌است؟ فرضیه مقاله اینگونه صورتبندی شده‌است: سیاست خارجی عربستان علیه جمهوری اسلامی پس از به قدرت رسیدن ملک سلمان تا اواخر سال ۲۰۱۷ را می‌توان ذیل عنوان «جنگ هیبریدی» تحلیل کرد. انزواسازی دیپلماتیک، جنگ نیابتی و نامنظم، جنگ اقتصادی، ناامن‌سازی ایران و جنگ رسانه‌ای؛ مهمترین مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه ایران محسوب می‌شوند. سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ به این دلیل برجسته شده که به نظر می‌رسد با سال‌های قبل از آن تفاوت معناداری دارد.

از آنجا که عربستان به دلیل ظرفیت‌های مختلف بویژه در سه حوزه نفت، اماکن مقدس دینی و نیز وهابی‌گری، برای سیاست خارجی خود مسئولیت رهبری در سه سطح منطقه خلیج فارس، جهان عرب و حتی جهان اسلام تعریف کرده (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۵: ۷۷)، سیاست خارجی تهاجمی آن موجب تغییرات اساسی در محیط راهبردی

جمهوری اسلامی می‌شود و بر امنیت ملی آن تاثیرگذار خواهد بود. از اینرو رویارویی همه جانبه آن با ایران، شایسته بررسی جدی است. درباره سیاست خارجی عربستان طی سال‌های اخیر در قبال ایران پژوهش‌های متعددی با مبانی نظری متفاوت انجام شده است. یکی از پژوهشگران، ذیل عنوان «جنگ سرد جدید در خاورمیانه بین ایران و عربستان» و نیز با توجه به شکل‌گیری انقلاب اسلامی و شیعیسم در عراق پس از صدام به تحلیل این موضوع پرداخته است. (Grumet: 2015) یک پژوهشگر سعودی به فراز و فرودهای متعدد روابط ایران و عربستان پرداخته و با تاکید بر اختلافات آنها در باره مسائلی مانند حج و بحرین، نتیجه گرفته که تنش در روابط دو کشور نه از ماهیت نظام‌های سیاسی آنها بلکه از رفتارها و اقدامات سیاسی بویژه ایران ناشی می‌شود و روابط متشنج دو کشور با الگوبرداری از اروپای پس از جنگ جهانی دوم قابل حل است. (AI-badi: 2017) نویسنده دیگری نقش ادارکات نخبگان سیاسی و نظامی ایران در تشدید بحران در روابط ریاض و تهران را بررسی کرده است. (شکوهی: زمستان ۱۳۹۵) به رغم وجود پژوهش‌های متعدد، هیچ پژوهشی بر مقطع زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ و بر مفهوم جنگ هیبریدی متمرکز نشده که دلیلی بر بدیع بودن این پژوهش است که با روش توصیفی^۵ تحلیلی پردازش شده است.

۲. چارچوب مفهومی: جنگ هیبریدی

سیاست خارجی عربستان علیه جمهوری اسلامی، غالباً رویکرد تقابلی علیه ایران داشته است اما سطح این تقابل طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ با دوره‌های قبل آن بسیار متفاوت بوده و دو سال نخست حکومت ملک سلمان، دوره منحصر به فردی در روابط عربستان با ایران است. به نظر می‌رسد «جنگ هیبریدی» (Hybrid warfare) چارچوب مناسبی برای تبیین رویکرد تهاجمی عربستان علیه جمهوری اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ باشد. جنگ هیبریدی طی سال‌های اخیر، بشدت مورد توجه سیاستمداران و پژوهشگران قرار گرفته است. این نوع جنگ به حدی اهمیت دارد که موجب عبور جنگ از نسل چهارم به نسل پنجم شده است. به رغم اهمیت جنگ هیبریدی، هنوز وجوه آن بطور کامل تبیین نشده و نظریه پردازان در باب آن با قوت ادامه دارد. یکی از رایج‌ترین تعریف‌ها درباره جنگ هیبریدی توسط «فرانک هافمن» (Frank Hoffman) شده است: «جنگ هیبریدی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن دشمن به طور همزمان و هماهنگ از سلاح‌های متعارف، تاکتیک‌های نامنظم، تروریسم و رفتار جنایی در فضای نبرد برای به دست آوردن اهداف سیاسی خود استفاده می‌-

کند.» (Chambers, 2016: 4) جنگ هیبریدی از گونه جنگ‌های غیرمستقیم است که بر-خلاف جنگ‌های کلاسیک، زمان شروع و گسترده آن، مشخص نیست. به این دلیل جنگ هیبریدی را منطقه خاکستری بین جنگ و صلح تعبیر کرده‌اند. به‌طور خلاصه «جنگ هیبریدی نوعی از جنگ است که در آن یکی از طرف‌های درگیر ساختار نیروهای خود را به‌نوعی بهینه کرده که از ترکیب تمام منابع موجود^۱ هم متداول و هم غیرمتداول^۲ در یک زمینه و بستر فرهنگی منحصر به فرد استفاده کند تا اثرات خاص و هم‌افزایی در برابر یک رقیب متداول ایجاد کند. (fa.wikipedia.org)

جنگ در هر مرحله‌ای از تاریخ، شکل خاصی به خود می‌گیرد. این تصور که جنگ صرفاً رویارویی خشونت‌بار نیروهای نظامی است، برداشتی کلاسیک از جنگ است و درگیری مستقیم فیزیکی امروزه تنها یکی از گونه‌های جنگ محسوب می‌شود. به‌تبع تحولات جدید، تعریف جنگ نیز مانند سایر مفاهیم متحول شده‌است. جنگ نرم، براساس آموزه‌های کلاسیک جنگ، سازه‌ای متناقض‌نماست اما امروزه واقعیتی انکارناپذیر است. جنگ هیبریدی، اصطلاح جدیدی است که نخستین بار توسط «ویلیام جی. نمث» (willian J.Nemeth) در سال ۲۰۰۲ برای توصیف شیوه جنگیدن چچنی‌ها به کار گرفته شد. اما با این وصف، شیوه هیبریدی نبرد در طول تاریخ وجود داشته و سابقه آن، حداقل به جنگ پلوپونز در قرن پنجم قبل از میلاد بین آتن و اسپارت (Murray, Mansoor, 2012: 3) باز می‌گردد.

مک کالوه (McCulloh) با تحلیل عمیق جنگ ۲۲ روزه حزب الله و اسرائیل، شش اصل برای جنگ‌های هیبریدی استخراج کرده که مورد پذیرش بسیاری از استراتژیست‌ها و نویسندگان قرار گرفته‌است. این اصول عبارتند از ۱- بی‌نظیر بودن ترکیب قابلیت‌ها و اثرات یک نیروی هیبریدی در بافتار تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی آن. ۲- وجود یک ایدئولوژی منحصر به فرد که روایت خاص برای سازمان آن ایجاد می‌کند. ۳- اعتقاد به اینکه رقبای نیروی هیبریدی برای آن تهدیدی حیاتی محسوب می‌شوند. به این دلیل نیروی هیبریدی از دانش نظامی متداول دست کشیده، تا بتواند هر چه بیشتر به بقای خود ادامه دهد. ۴- در جنگ‌های هیبریدی نوعی برتری ذاتی و قابلیت میان طرفین نبرد، وجود دارد. نیروی هیبریدی ظرفیت نظامی متداول کمتری در مقایسه با رقیب خود دارد و در نتیجه باید به دنبال راهی باشد که بتواند برتری‌های آن را جبران کند. ۵- نیروی هیبریدی دارای عناصر متعارف و نامتعارف است. این اجزا به‌طور معمول شامل فناوری‌های نظامی و فناوری پارتیزانی غیرنظامی است. ۶- نیروهای هیبریدی در جنگ‌های خود، دنبال استفاده از عملیات تدافعی هستند. (Lovelace, 2016: 54) در برخی منابع اصل دیگری نیز اضافه شده که براساس آن، سازمان‌های

هیبریدی از تاکتیک‌هایی استفاده می‌کنند که فرسودگی دشمن را به دنبال داشته باشد. (fa.wikipedia.org)

بخش بسیار زیادی از متون مربوط به جنگ هیبریدی به روش نبرد روسیه در زمان الحاق شبه جزیره کریمه در سال ۲۰۱۴ و نبرد در شرق اوکراین متمرکز شده‌است. جنگ هیبریدی که تا پیش از نبرد شرق اوکراین، بیشتر یک اصطلاح آکادمیک بود در این جنگ عینیت یافت و این مفهوم وارد ادبیات سیاسی و نظامی بین‌المللی شد. در حالیکه روسیه حضور در این منازعه را انکار می‌کرد، نیروهای مسلح نامنظم، پروپاگاندا گسترده، ایجاد ناآرامی در مناطق مختلف اوکراین، استقرار نیروهای نظامی متعارف در مرزهای اوکراین و کارزار گسترده دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی برای توجیه روایت روسی از بحران اوکراین، عناصر جنگ هیبریدی آن را تشکیل می‌دادند. (Munich Security Report, 2015: 34) جنگ هیبریدی پس از بحران اوکراین، در دستورکار بسیاری از سازمانها، نهادها و کنفرانس‌ها قرار گرفت. در کنفرانس امنیتی مونیخ، این موضوع مورد توجه جدی قرار گرفت و در گزارش سال ۲۰۱۵ این نهاد، هشت مؤلفه برای جنگ هیبریدی مشخص شده که در شکل زیر نشان داده شده‌است.



مؤلفه‌های جنگ هیبریدی؛ کنفرانس امنیتی مونیخ

Source: Munich Security Report , 2015: 35

۳. مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی

جنگ هیبریدی، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و همسو علیه رقیب است. از آنجا که اطلاعات برخی از مؤلفه‌های الگوی فوق در باره عربستان، محرمانه بوده و قابل دسترسی نیست، به این دلیل، رخی از این مؤلفه‌ها در متن زیر ترکیب شده است. بطور کلی مؤلفه‌های جنگ هیبریدی عربستان علیه ایران در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا اواخر سال ۲۰۱۷ را می‌توان به شرح زیر تحلیل کرد.

۳-۱. دیپلماسی

اهتمام همه‌جانبه و هماهنگ نمایندگان دیپلماتیک کشورهای شریک علیه کشور هدف برای به انزوا کشاندن آن در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را می‌توان «دیپلماسی» یا «عملیات دیپلماتیک» نامید که یکی از مؤلفه‌های تاثیرگذار در جنگ هیبریدی است. یکی از مهمترین عناصر جنگ هیبریدی عربستان علیه جمهوری اسلامی، همین مجموعه اقدامات گسترده و به هم پیوسته دیپلماتیک است که طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ به اوج خود رسید. روابط دیپلماتیک ایران و جمهوری اسلامی فراز و فرود فراوانی داشته است پس از ماجرای کشتار حجاج در سال ۱۹۸۷، - ۲۷۷ ایرانی کشته و ۳۰۳ نفر مجروح شدند- روابط دو کشور قطع شد و پس از حمله عراق به کویت و تغییر معادلات و ژئوپلیتیک قدرت در منطقه روابط آنها در مارس ۱۹۹۱ از سرگرفته شد. (Jahner, 2012: 42) پس از افزایش تنش دیپلماتیک بین دو کشور، با اعلام سیاست تنش‌زدایی دولت سید محمد خاتمی مجدداً روابط بهبود یافت. به‌رغم شرکت امیر عبدالله ولیعهد عربستان در نشست سازمان کنفرانس اسلامی در تهران که سال ۱۹۹۷ برگزار شد، شاهزاده متنفذ نایف بن سلطان بشدت مخالف گسترش روابط با ایران بود. (Hunter, 2017: 30) پس از سقوط صدام و بویژه به دنبال تحولات جهان عرب، روابط دیپلماتیک تهران و ریاض بحرانی شد. طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ ایران به دنبال کاهش سطح خصومت‌ها بود اما عربستان بر تشدید آن اصرار می‌ورزید. محمد بن سلمان در پاسخ به پیشنهاد مذاکره دولت روحانی به عربستان، اعلام کرد: «ایران با انتظار برای ظهور امام مهدی می‌خواهد بر سرزمین‌های اسلامی سلطه پیدا کند. شما چگونه می‌توانید با کسانی که چنین پیش‌زمینه‌ای دارند، گفتگو کنید؟ هدف ایران این است که بر حرمین شریفین سلطه یابد.» (Arabnews.com 3 May 2017)

طی دو سال اخیر عملیات دیپلماتیک عربستان در چند حوزه علیه ایران انجام شد. عربستان طی این مدت کوشید ایران را از نظر دیپلماتیک منزوی کند. به این دلیل پس از حمله به سفارت این کشور در تهران و کنسولگری آن در مشهد، بسیاری از کشورهای عربی را تحت فشار قرار داد روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کنند. این راستا بود که همزمان با عربستان کشورهایی چون بحرین و جیبوتی روابط خود را با تهران قطع کردند و قطر و امارات متحده سطح روابط سیاسی خود را کاهش دادند. عربستان برای دستیابی به انزوای دیپلماتیک ایران، کوشیده از مجرای نهادهای منطقه‌ای و اسلامی، اقدام جمعی انجام دهد. محور اقدامات دیپلماتیک عربستان، معرفی ایران به عنوان بی‌ثبات‌کننده منطقه بود. شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی سه نهادی بودند که عربستان از تمامی اهرم‌های خود برای اعمال فشار علیه ایران استفاده کرد. ملک سلمان با سفر به ترکیه و گسترش مقطعی روابط با این کشور کوشید در بزرگترین تجمع کشورهای اسلامی ایران را منزوی کند. در پی تلاش‌های گسترده سعودی‌ها، برخی از بندهای بیانیه پایانی نشست سازمان کنفرانس اسلامی در استانبول علیه ایران و متحدین منطقه‌ای آن اختصاص یافت. در بند ۳۰ بیانیه، حمله به مراکز دیپلماتیک عربستان در شهرهای تهران و مشهد محکوم شد. در بند ۳۲ آمده بود که «این نشست، سخنان مقامات ایرانی در مورد احکام قضایی صادره شده در عربستان علیه مجرمان تروریستی [از جمله شیخ نمرالنمر] را رد می‌کند؛ زیرا این مسأله دخالت آشکار در امور داخلی عربستان سعودی محسوب شده و با منشور سازمان ملل و منشور سازمان همکاری اسلامی و تمامی میثاقنامه‌های بین‌المللی مغایرت دارد» و سرانجام در صریح‌ترین عبارات در بند ۳۳ آمده بود: این نشست دخالت‌های ایران در امور داخلی کشورهای منطقه و دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی از جمله بحرین، یمن، سوریه و سومالی و ادامه حمایت از تروریسم را محکوم می‌کند. (oic-oic. Org)

عربستان با توجه به جایگاه حزب‌الله در قدرت منطقه‌ای ایران، در نشست سازمان‌های عربی اقدامات گسترده‌ای انجام داد. اتحادیه عرب طی نشست ۱۱ مارس ۲۰۱۶ حزب‌الله، لبنان را سازمانی تروریستی اعلام کرد. (aljazeera, ۲۰۱۶/۳/۱۱) اگرچه لبنان و عراق به این موضوع اعتراض کرده و الجزایر نیز ملاحظاتی را در این باره مطرح کرد اما بقیه کشورهای عضو اتحادیه عرب آنرا تایید کردند. لازم به ذکر است که پیشتر سوریه با فشار عربستان، از اتحادیه عرب اخراج شده بود و کرسی آن به معارضة تحت

حمایت سعودی داده شده بود. شورای همکاری خلیج فارس نیز در نشست خود در مارس ۲۰۱۶، حزب الله را یک سازمان تروریستی اعلام کرد. این اقدام، چند روز بعد از آن بود که اعضای این شورا، با اقدام عربستان مبنی بر بررسی تمام روابط خود با لبنان و توقف کمک به ارتش به دلیل رفتار حزب الله موافقت و از آن حمایت کرده بودند. (al-Arabiya, 2016/03/02) با توجه به اینکه بسیاری از اتباع لبنان در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مشغول کارند و سالانه میلیون‌ها دلار به کشور خود می‌فرستند، به دنبال تصمیم شورای همکاری خلیج فارس به بهانه محدود سازی مالی حزب الله، صدها نفر از اتباع لبنان از این کشورها اخراج شدند. در این زمینه با فشارهای ملک سلمان در بیانیه پایانی کنفرانس اسلامی در استانبول، بند ۱۰۵ علیه حزب الله گنجانده شد: « نشست سازمان همکاری اسلامی حزب الله را به علت اقدامات تروریستی در سوریه، بحرین، کویت و یمن و حمایت این گروه از جنبش‌ها و گروه‌های تروریستی که امنیت و ثبات کشورهای عضو سازمان را به خطر می‌اندازد؛ محکوم می‌کند. » (oic-oic.org) عربستان در کنار اعمال فشار علیه حزب الله، کوشید تا حماس را نیز ایران جدا کند. حماس در بحران سوریه، در جبهه مقابل ایران قرار گرفت. خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس به عربستان سفر و با ملک سلمان دیدار کرد. اسماعیل هنیه پس از آنکه قیام فلسطینی‌ها در ژانویه ۲۰۱۵ با حملات قاچو علیه اسرائیلی‌ها شدت گرفت، با ارسال نامه به رهبران کشورهای عربستان، کویت، قطر و ترکیه از آنها خواست که از این قیام حمایت کنند. وی برای ایران از ارسال نامه خودداری کرد. بزرگترین مانور دیپلماتیک عربستان علیه جمهوری اسلامی، برگزاری نشست ریاض بود. در این نشست که ریاض به عنوان اولین مقصد سفر خارجی دونالد ترامپ انتخاب شده بود، با رایزنی گسترده عربستان، سران و مقامات ارشد ۴۰ کشورهای عربی و اسلامی شرکت داشتند. عربستان سفر ترامپ به ریاض را نقطه عطف تاریخی خوانده است. هدف اصلی عربستان از برگزاری این نشست، معرفی ایران به عنوان نیروی افراطی و بی‌ثبات کننده در خاورمیانه بود. این موضوع در سخنرانی ملک سلمان اینگونه گنجانیده شد: « رژیم ایران پس از پیروزی انقلاب، تروریسم را در جهان گسترش داده و با جاه‌طلبی توسعه‌طلبانه، اقدامات مجرمانه و دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، اصول مسلم حقوق بین‌الملل و حسن همجواری را نقض کرده است. ایران محرک فرقه‌گرایی از عراق تا یمن بوده است. عزم ما علیه تمام سازمان‌های تروریستی جدی است. ما به همین دلیل ائتلاف نظامی اسلامی علیه تروریسم تشکیل داده‌ایم. ما امروز به ایدئولوژی افراط‌گرایی اعلان جنگ می‌کنیم و با ملت‌ها و

سازمان‌های صلح‌طلب همکاری می‌کنیم. این وظیفه ماست که علیه نیروهای شیطان‌ی و افراط‌گرایی با هم متحد باشیم.» (arabnews.com, 1102971) همچنین دونالد ترامپ در این کنفرانس گفت: «می‌خواهم درباره ایران صحبت کنم که مسئول بی‌ثباتی در منطقه بوده است. ایران به تروریست‌ها آموزش می‌دهد. برای دهه‌ها آتش جنگ‌های فرقه‌ای را شعله‌ور کرده است. این کشور خواستار نابودی اسرائیل است. ایران خاورمیانه را بی‌ثبات کرده است. در سوریه شاهد آن هستیم. همه باید کمک کنند تا ایران منزوی شود... هدف ما تشکیل ائتلافی برای مقابله با افراط‌گرایی است... باید گروه‌های تروریستی نظیر داعش، حزب‌الله، القاعده و حماس را تحت پیگرد قرار دهیم. عدم مقابله با تروریسم باعث انتشار گسترده آن خواهد شد.» (whitehouse.gov, May 21, 2017)

یکی دیگر از تلاش‌های عربستان برای انزوای دیپلماتیک ایران، اقدام تهاجمی آن علیه قطر بود. پس از آنکه اظهاراتی منسوب به امیر قطر درباره جایگاه ایران در منطقه منتشر شد - که البته مقامات قطری اعلام کردند سیاست خبرگزاری رسمی این کشور هک شده بود - عربستان در اقدامی هماهنگ با مصر، امارات و بحرین روابط خود را با قطر قطع کرده و آنرا محاصره اقتصادی کردند. این کشورها اعلام کردند باید روابط سیاسی قطر با ایران قطع شود، نیروهای نظامی ایران از قطر اخراج شوند و روابط اطلاعاتی دو کشور قطع شود. گسترش همکاری تجاری و بازرگانی قطر با ایران که باعث نقض تحریم‌های بین‌المللی و به خطر انداختن امنیت شورای همکاری خلیج فارس می‌شود، نیز کاهش یابد. (aljazeera, 12 July 2017) عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان یکی از پیش شرط‌های از سرگیری روابط کشورهای عربی با قطر را قطع کمک‌های آن به حماس اعلام کرد وی ایران داعش، سوریه و اخوان المسلمین را دشمن مشترک ائتلاف میانه‌روها معرفی کرد. (Aljazeera, 11/2017) در حالیکه عربستان پیشتر مستقیماً علیه ایران اقدام دیپلماتیک کرده بود، در مورد قطر، می‌کوشید نوعی نبرد غیرمستقیم و نیابتی را رویه کند که در صورت موفقیت، علیه سایر کشورهایی که با ایران روابط حسنه داشتند، نیز اعمال شود. فراخوانی سعد حریری نخست وزیر لبنان به ریاض و استعفای راه در وی نیز در این راستا قابل تحلیل است.

۳-۲. جنگ اقتصادی

عربستان مالکیت یک چهارم ذخایر نفتی جهان را داراست و با صدور ۱۰ میلیون بشکه در روز، بزرگترین صادرکننده نفت دنیا محسوب می‌شود. این کشور همچنان که از وجود حرمین شریفین بهره‌برداری سیاسی کرده، نفت را نیز به ابزاری سیاسی تبدیل کرده است. عربستان به اتکا به پشتوانه درآمدهای هنگفت نفتی حتی در عرصه

بین‌المللی باج‌گیری گسترده‌ای کرده و نفت را ابزار تشویق یا تنبیه دیگر کشورها حتی نهادهای بین‌المللی قرار داده‌است. عربستان در رویارویی با ایران همواره از سلاح نفت استفاده کرده‌است. به گونه‌ای که دوره جنگ تحمیلی علاوه بر تامین هزینه‌های جنگی عراق، تولید نفت خود را به حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز افزایش داد تا نفت خود را جایگزین ایران کنند و قیمت جهانی نفت را از طریق تولید اضافی خویش کاهش دهد و جمهوری اسلامی را از لحاظ اقتصادی فلج کند. (امیر احمدی، ۱۳۸۲: ۱۹۳) سیاست افزایش نفت عربستان باعث شد قیمت نفت از هر بشکه ۳۰ دلار در مهر ۱۳۶۴ به آستانه ۱۰ دلار در فروردین ۱۳۶۵ کاهش یابد. راهبرد اشباع سازی بازار در نیمه اول ۱۳۶۵ باعث شد که در مقایسه با شش ماه نخست سال قبل دچار ۵۹ درصد کاهش شود (امیر احمدی، ۱۳۸۲: ۱۹۹) عربستان و کویت روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت برای عراق صادر می‌کردند و عربستان روزانه یک و نیم میلیون بشکه نفت عراق را از خط لوله انابیب به دریای سرخ صادر می‌کرد (ظاهر مسلح، ۲۰۰۹: ۴۷۸) در ماجرای پرونده هسته‌ای، عربستان تلاش گسترده‌ای برای اعمال تحریم‌های جامعه جهانی علیه ایران انجام داده تا قدرت رقابت ایران با خود را در منطقه بکاهد. در حالیکه صادرات نفت ایران به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، به کمتر از یک میلیون بشکه کاهش یافته بود و محدودیت‌های مالی بین‌المللی نیز مانع از ورود دلارهای حاصل از فروش همین میزان صادرات به ایران بود، عربستان با افزایش شدید صادرات نفت خود، قیمت نفت را بشدت کاهش داد. اگرچه این سیاست بعدها به اقتصاد عربستان نیز صدمه جدی وارد کرد اما قیمت نفت طی سال‌های اخیر بشدت سیر نزولی داشته است. عربستان پس از برجام نیز با بازگرداندن سهم صادراتی به ایران، کوشش فراوانی برای محدودسازی منابع ایران انجام داد.

دولت ملک سلمان درآمدهای نفتی را چاشنی اقدامات دیپلماتیک خود کرد و در حقیقت با دیپلماسی رشوه کوشید نظر برخی کشورهای عربی را علیه ایران به سوی خود جلب کند. اگرچه کشوری مانند جیبوتی در مناسبات بین‌المللی جایگاهی ندارد، اما عربستان با رشوه نفتی، آنرا در عداد کشورهای قرار داد که روابط خود را با ایران قطع کرد. همچنین عربستان به دولت السیسی که با کودتا به قدرت رسیده، چندین میلیارد دلار کمک کرد. جلب نظر دولت ترامپ با قرارداد ۴۰۰ میلیارد دلاری برای تشدید سیاست ایرانی در این جنگ اقتصادی قابل تحلیل است.

۳-۳. حمایت از ناآرامی‌های داخلی

در جنگ هیبریدی، تضعیف توان نظامی رقیب، تنها هدف نیست بلکه تضعیف اجتماع آن نیز مهم است. تنش‌های قومی، تشدید وابستگی اقتصادی، پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای و تروریسم نیز از دیگر اجزای جنگ هیبریدی محسوب می‌شوند. (marcel, 2016: 19) با توجه به امکانات جدیدی ارتباطی، ایجاد آشوب و ناامنی در قلمرو کشور رقیب در جنگ‌های هیبریدی، اهمیت ویژه‌ای دارد. جنگ هیبریدی، آشوب‌های مدیریت‌شده (Korybco, 2015: 25) تعریف شده‌است. دولت عربستان از سال ۲۰۱۵، اقدامات جدی برای ناامن سازی ایران انجام داده‌است. محمدبن سلمان وزیر دفاع عربستان در مصاحبه‌ای به صراحت اعلام کرد جنگ را به داخل ایران می‌کشاند. (arabnews.com 3 May 2017) ایران حمله داعش به مجلس شورای اسلامی و مرقد امام خمینی را با استناد به اظهارات مذکور، ناامن سازی ایران توسط عربستان تلقی کرده‌است. دولت عربستان به رغم سکوت رسمی در خلال اغتشاشات دی ماه ۱۳۹۶، بیشترین هشتگ‌های تحریک‌کننده و دعوت به ناآرامی را جانب مردم عربستان در شبکه‌های اجتماعی گذاشته شد.

عربستان در دوره ملک سلمان کوشید با تجهیز، سازماندهی و تحریک برخی گروه‌های معاند و نیز قومیت‌ها، بحران را از محیط امنیت فرامرزی جمهوری اسلامی به درون مرزها بکشاند. اگرچه این سیاست سعودی‌ها مسبوق است اما اخیراً بخشی از فعالیت‌های مخفیانه خود را علنی کرده‌اند. از نظر مقامات سعودی، تسری نبرد نیابتی به داخل موجب فعال شدن برخی شکاف‌های قومیتی و مذهبی در ایران می‌شود و در آن صورت این نوع سیاست درگیرسازی داخلی، موجب توجه ایران به درون کشور و تغییر اولویت آن از دیگر مناطق می‌شود. ترکی الفیصل کسی که سال‌ها بر سازمان‌های اطلاعاتی سعودی ریاست داشته، در نشست سالانه سازمان منافقین خلق در پاریس شرکت کرد. حضور وی و سخنان صریحش علیه جمهوری اسلامی را باید از مصادیق بارز ناامن سازی ایران تعبیر کرد. روزنامه‌ها و پایگاه‌های خبری سعودی مانند الشرق الاوسط، عرب نیوز، العربیه و سعودی گازته بطور همزمان در سطح گسترده‌ای نشست منافقین در پاریس را پوشش خبری داده و درباره آن و تحلیل ارائه دادند. این رسانه‌ها به گونه‌ای هماهنگ عمل می‌کردند که گویی یک متن را منتشر می‌کنند. برای نمونه هر سه منبع این عنوان را انتخاب کردند که «در بزرگترین گردهمایی مخالفان جمهوری اسلامی در پاریس صدهزار نفر شرکت کرده و آنها خواستار تغییر رژیم جمهوری اسلامی شدند.» به

نوشته سعودی گازته: ترکی الفیصل یکی دیگر از سخنرانان بود که اظهارت وی با ابراز احساسات و سر دادن شعار همراه بود. وی گفت: مردم ایران اولین قربانیان آیت الله خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی هستند.[!] آنها با صدور انقلاب می‌خواهند زمینه را برای ظهور امام دوازهم آماده کنند. وی نیز مانند مقامات اسرائیل گفت: عرب‌ها برای پارس‌ها احترام ویژه‌ای قائلند. (Saudi Gazette Jul 10/206) روزنامه عرب نیوز خبر نشست منافقین را در سطح گسترده‌تری پوشش داده، و اظهارات مریم رجوی که در غیاب مسعود رجوی رهبری این نشست را در دست داشت، منعکس کرده و به نقل از وی نوشت که از عملیات عربستان در یمن برای جلوگیری از نفوذ ایران استقبال کرده است. (arabnews, 951391) چند روز پس از شرکت ترکی الفیصل در نشست گروهک منافقین و همصدایی با آنها که به زبان عربی شعار الشعب یرید اسقاط النظام سر می‌دادند، در سرمقاله روزنامه سعودی گازته در مطالبی مداخله آمیزتر همان اظهارات صدام حسین را در آستانه جنگ تحمیلی تکرار کرد. سرمقاله نویسنده این روزنامه سعودی با اشاره به منابع و ذخایر ایران در استان خوزستان و به کاربرد نام جعلی عربستان برای این منطقه خواهان اعطای یک کرسی به آنها در اتحادیه عرب شد. (Saudi gazette.158797)

علاوه بر سازمان منافقین ادله‌های دیگری در باره دخالت عربستان در استفاده نیابتی از سایر گروه‌های تروریستی و معاند جمهوری اسلامی وجود دارد. براساس آنچه که دبیر مجمع تشخیص نظام پس از اشاره به حضور ترکی الفیصل در نشست منافقین در پاریس اعلام کرده، «چند ماه پیش مقامات عربستان همین جلسات را با دموکرات و کومله و پژاک در اربیل عراق گذاشتند و تاکنون چند ترور در منطقه کردستان عراق صورت گرفته است. (mehrnews.com /3710779) حزب دمکرات کردستان ایران پس از دو دهه، فعالیت مسلحانه را در دستور کار خویش قرار داد. از سرگیری فعالیت های کنسولی عربستان در اقلیم کردستان و حمایت از موضوع برگزاری همه‌پرسی برای استقلال کردستان نیز، به نوعی در راستای تشدید ناامنی در جمهوری اسلامی تلقی می‌شود.

۳-۴. نیروهای ویژه و نامنظم

در نبردهای هیبریدی، جنگ دیپلماتیک با عملیات نظامی حمایت می‌شود. در این عملیات، فرماندهی متمرکز و واحدی وجود دارد؛ ساختار نظم در این نوع جنگ نه مانند جنگ متقارن، کاملاً کلاسیک است و نه از بی قاعدگی جنگ‌های چریکی و نامنظم استفاده می‌کند. عربستان و متحدین آن بر این باورند اگر ایران در فضای

منطقه‌ای با نشانه‌هایی از افزایش تعارض مواجه شود در آن صورت فرسایش قدرت منطقه‌اش پیش خواهد آمد و سپس زمینه تضعیف یا سرنگونی نظام آن فراهم می‌شود. (برزگر، ۱۳۹۵: ۱۴) عملیات نظامی عربستان در سطوح مختلفی طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ علیه ایران اجرا شد. اولین سطح، سازماندهی، اعزام، استقرار و تجهیز نیروهای تکفیری در مناطق پیرامونی ایران، است. هزاران تکفیری از عربستان و کشورهای مختلف در سوریه مستقر شدند تا با ساقط کردن دولت بشار اسد، حلقه روابط ایران با حزب الله و فلسطین بگسلد. دولت عربستان و برخی کشورهای متحد آن، از گروه‌های معاند و تکفیری در عراق نیز حمایت نظامی و سیاسی کردند. سازمان‌های اطلاعاتی عربستان، ضمن تجهیز نظامی گروه‌های مذکور، در سطح میدانی نیز آنها را هدایت می‌کردند. اگرچه بین نیروهای داعش و عربستان رابطه روشنی وجود ندارد، اما با توجه به حوزه جغرافیایی استقرار داعش و نیز ایدئولوژی ضد شیعی آن، می‌توان، آنرا در تداوم عملیات نیابتی، ویژه و نامنظم عربستان تحلیل کرد. اصولاً جنگ نیابتی به منظور کسب و گسترش نفوذ در یک حوزه رقابتی صورت می‌گیرد. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۸۳) در همین عرصه باید به حمله تمام عیار عربستان به یمن تنها دوماه پس از به قدرت رسیدن ملک سلمان، نیز اشاره کرد. پس از آنکه نیروهای حوثی - که سابقه فعالیت آنها به چندین دهه پیش باز می‌گردد - بخش‌هایی از یمن را به کنترل خود درآوردند، عربستان با شعار جلوگیری از توسعه طلبی ایران، به یمن حمله کرد. عربستان با حمایت صریح کشورهای چو آمریکا و انگلیس، با نقض حقوق بشردوستانه، فاجعه - ای انسانی در یمن ایجاد کرده است.

۳-۵. نیروهای نظامی متعارف

از دیگر مؤلفه‌های عملیات نظامی عربستان در جنگ هیبریدی، شکل دهی به ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای است. این استراتژی به دو دلیل مطرح شده است. نخست، ضعیف نیروهای نظامی متعارف عربستان است و دوم تصور اقدام جمعی عربی - اسلامی برای انزوای ایران. اگرچه در جنگ هیبریدی، ارتش‌های ملی یا به تعبیری نیروهای متعارف مانند جنگ‌های کلاسیک نقش ایفا نمی‌کنند، اما به هر حال، یکی از عناصر مهم این جنگ‌ها محسوب می‌شوند. عربستان از نظر سنتی، قدرت متعارف نظامی محسوب نمی‌شود. این کشور پیش از این برخلاف سوریه، مصر و عراق از داشتن ارتش منظم و مدرن محروم بوده، و به تعبیر مورخ نظامی خاورمیانه ارتش سعودی به حدی از نظر

تجهیزات عقب مانده، آموزش ندیده و فاقد سازمان بوده که دفاع از مرزهای خویش در برابر تجاوز خارجی را اساساً بر دوش امریکایی‌ها نهاده‌بود (کرونین، ۱۳۹۴: ۲۷۱) وقتی عربستان و ایران دکترین نیکسون-کیسینجر را تشکیل دادند، ایران با ۱۵۰ هزار نیروی زمینی مسلح و توان دریایی و هوایی مناسب‌تر، مامویت نظامی را برعهده گرفت و ستون نظامی آن شد اما عربستان تنها با ۳۰ هزار نظامی که اکثر آنها نیروی امنیتی و داخلی بودند، وظایف ستون مالی را عهده‌دار شد. به این دلیل یک نویسنده سعودی آنرا «استراتژی یک و نیم ستونی» نامیده بود. (Al-saud, 2003: 66). دولت ملک سلمان، برای تقویت توان نظامی خود، مسابقه گسترده‌ای با ایران راه انداخت تا با معمای امنیت، بخش عمده‌ای از منابع ایران را با جمعیتی که اقتصاد خواسته نخست آن است، درالویت قراردهد. به نوشته عربستان در سال ۲۰۱۶ با ۶۳/۷ میلیارد دلار هزینه نظامی، پس از آمریکا و چین، با روسیه برای کسب مقام سوم جهانی از نظر هزینه نظامی رقابت کرد. (SIPRI, April 2017, 3-7)

عربستان در عرصه‌های نبرد در سوریه، عراق و یمن، ائتلاف‌های سیاسی- نظامی گسترده‌ای ایجاد کرده‌است. محمدبن سلمان وزیر دفاع عربستان با این ادعا که « امروز تروریسم در شبه جزیره سینا، ترویسیم در یمن، لیبی؛ مالی، نیجریه، پاکستان، افغانستان، که همه نیازمند تلاش وسیع برای جنگ با آنهاست؛ از ایجاد ائتلافی شامل ۳۴ کشور را اعلام کرد. (AGSIW, 2017: 4) پس از سفر ترامپ به ریاض، موضوع ایجاد ناتوی عربی با محوریت عربستان نیز مطرح شد. اقدامات عربستان در یمن پس از حمله موشکی انصارالله به ریاض بسیار تشدید شده است.

عربستان حتی با برجسته‌نمایی خطر تهدید ایران، به سوی ائتلاف اعلام نشده‌ای با اسرائیل حرکت کرده‌است. شاهزاده ترکی الفیصل رئیس سابق سازمان های اطلاعاتی عربستان و یاکوف آدمیروور (Yaakov Amidror) ژنرال بازنشسته ارتش و مشاور سابق بنیامین نتاناهو در نشست که در «مؤسسه واشنگتن برای امور خاور نزدیک» تدارک دیده بود، شرکت کرده و در مقابل دوربین‌ها دستان یکدیگر را فشردند. این دو ادعا کردند که اگر ایران از برجام عدول کند، یکی از گزینه‌های عربستان، دستیابی به سلاح هسته‌ای است. (CNN, 7 May 2016) خالد الحمدان وزیر اطلاعات عربستان مخفیانه از اسرائیل دیدار کرده و با مقامات ارشد اسرائیلی از جمله بنیامین نتاناهو نخست وزیر و رئیس موساد در باره همکاری نظامی به ویژه با هدف سرنگونی بشار اسد دیدار کرده- است. علاوه بر این نیز مقامات ارتش اسرائیل به ریاض سفر کرده و رسانه‌های

اسرائیلی نیز آن را تایید کرده‌اند. مصاحبه رئیس ستاد ارتش اسرائیل با یک نشریه سعودی ایلاف، اقدامی بی‌سابقه بود. اعتراف یکی از وزاری اسرائیلی به داشتن رابطه با عربستان نیز موضوع جدیدی است. موشه یعلون وزیر دفاع اسرائیل نیز گفته بود که کانال‌هایی بین اسرائیل و کشورهای غربی وجود دارد اما شرایط حساس باعث شده که کشورهای عربی از علنی کردن آن امتناع ورزند.

۶-۳. جنگ اطلاعاتی و پروپاگاندا

جنگ هیبریدی را می‌توان جنگ روایت‌ها و تصویر سازی نیز تعریف کرد. روایت‌ها برساخته می‌شوند. رسانه‌های کلاسیک و نوین ارتباطی نقش غیرقابل انکاری در این زمینه دارند. با توجه به اینکه عربستان دارای یک نظام سیاسی پیشامدرن است، امنیت رژیم آن در عصر رسانه‌ها، بشدت، با چالش مواجه شده‌است. در حالیکه صدام با مداخله خارجی سرنگون شده بود، سقوط حاکمان تونس، مصر و یمن برای عربستان پیام دیگری داشت. زیرا تحولات این کشورها بر اثر تضادهای سیاسی داخلی و واکنش به سرکوب رخ داده‌بودند که عربستان را می‌توانست در برگیرد. (Jahner, 2012: 45).

دولت عربستان با توجه به نقطه ضعف خود در این زمینه، طی سال‌های گذشته، در عرصه رسانه‌ای سرمایه گذاری گسترده‌ای انجام داده‌است. پس از به قدرت رسیدن ملک سلمان، عربستان کوشیده با مدیریت رسانه‌های جمعی و اجتماعی، کانون توجه از مسائل داخلی و مشروعیتی خود، را به ایران تغییر داده و ایران را به عنوان تهدید معرفی نماید. سعودی‌ها طی سال‌های گذشته شبکه العربیه را ایجاد کرده بود که جهتگیری اصلی آن، معرفی ایران به عنوان تهدید منطقه‌ای بوده است. روزنامه‌های عرب زبانی چون الشرق الاوسط و الحیات نیز طی دو سال اخیر، با انتشار مقالات نویسندگان عرب ضدایرانی و نیز اپوزیسیون ایران، روایتی از ایران برساخته‌اند که به عنوان «دگر» منطقه‌ای شناخته شود. با افشای سیاست همسویی العربیه با اسرائیل، شبکه رسانه‌ای المیادین جایگزین آن شده‌است. عربستان با حمایت مالی گسترده، لشکری از چهره‌های رسانه‌ای را تجهیز کرده و با دعوت از آنها تحت عنوان مهمانان در شبکه‌های مختلف، جنگ هیبریدی خود علیه ایران را طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ تشدید کرد. عربستان علاوه بر جهت‌دهی به افکار منطقه‌ای، با ایجاد شبکه فارسی زبان و نیز تعبیه نسخه فارسی خبرگزاری رسمی عربستان «واس»، کوشیده با القای

اطلاعات جهت‌دار بر رفتار، فرهنگ و یا عملکرد مردم یا مقامات دولتی، نظامی و حتی امنیتی با هدف اختلال در امور عادی و یا جاری ایران تاثیر بگذارد.

۳-۷. حملات سایبری

جنگ سایبری نیز از عناصر مهم جنگ هیبریدی محسوب می‌شود. اگرچه عربستان از نظر سایبری قدرت چندانی ندارد، اما اخباری در مورد اقدام هکرهایی منتسب به عربستان، برای نفوذ به برخی پایگاه‌های اینترنتی و دولتی ایران از قبیل وبسایت مرکز آمار، قوه قضائیه و سازمان ثبت اسناد کشور توسط رسانه‌های ایران منتشر شد. مصاحبه‌های مکرر محمدبن سلمان با رسانه‌های آمریکایی و تکرار اتهامات علیه جمهوری اسلامی بویژه پس از شکست داعش در عراق و سوریه، خود به عملیات جداگانه‌ای تبدیل شده است.

۴. نتیجه‌گیری

روابط عربستان با جمهوری اسلامی از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵ شامل طیفی از رقابت، رفاقت، خصومت و تقابل بود. اما از سال ۲۰۱۵ تا اواخر ۲۰۱۷، سطح تقابل بسیار افزایش یافت و عربستان مجموعه به هم پیوسته‌ای از اقدامات علیه ایران انجام داد که در این مقاله ذیل عنوان جنگ هیبریدی تبیین شد. با به قدرت رسیدن ملک سلمان، عربستان برای نخستین بار در تاریخ رویکرد « خود یاری» را برگزید. سیاستمداران جوان سعودی مانند محمدبن سلمان و عادل الجبیر با توجیه داخلی سایر شاهزادگان سعودی که «امنیت رژیم» آنها در مخاطره جدی قرار گرفته است، در سطح منطقه‌ای، خود را مدافع مقابله با توسعه‌طلبی ایران معرفی کردند و مجموعه‌ای از عناصر و ابزارها برای تقویت موقعیت خود در مقابل ایران به کار گرفتند که از آن تحت عنوان جنگ هیبریدی یاد شد. در حالیکه مقامات دولت سلمان طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ به تشدید تنش‌ها با ایران پرداختند، جمهوری اسلامی همواره آنها را آرامش و حتی گفتگو ترغیب می‌کرد. اگرچه به نظر برخی پژوهشگران، رفتار ایران طی سال‌های پیشین در جهت گیری سیاست خارجی عربستان بی تاثیر نبوده است، اما واقعیت آن است که سیاست عربستان و متحدین منطقه‌ای و بین‌المللی آن بیشتر بر موجهی از ایران هراسی استوار بوده است. عقلانیت رفتاری و گفتاری مجموعه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی طی دو سال اخیر از گذار ایران و

عربستان از مرحله هیبریدی به جنگ تمام عیار ممانعت کرد. ناتوانی عربستان در حل بحران یمن با توسل به ابزار نظامی، فاجعه انسانی در یمن، ناکارآمدی فشارهای دیپلماتیک علیه قطر، حذف عربستان در نشست های تعیین سرنوشت سوریه پس از شکست داعش، کاهش شدید منابع مالی و کسری بی سابقه بودجه دولت عربستان، احتمال سرایت و بازگشت تکفیری ها به این کشور که عربستان همواره در صدور آنها کوشیده است، به نظر می رسد موجب می شود محمدبن سلمان ولیعهد- پادشاه عربستان به جنگ هیبریدی خود علیه ایران ادامه دهد. عربستان با توجه به میزان قدرت دفاعی ایران، می کوشد با تحریک اسرائیل، این رژیم را به طور غیرمستقیم با ایران در لبنان درگیر کند و به تبع دولت ترامپ را وارد میدان کنند. اما ترامپ نیز با آگاهی تمام، از پرداخت هر هزینه ای برای مقابله با ایران طفره می رود و به اینصورت تا آینده میان مدت منازعه عربستان با ایران در سطح جنگ هیبریدی باقی بماند؛ مگر بر اثر یک اقدام غیر متوقعه و غیر معمول که ناشی از ادارک باشد، سطح منازعه افزایش یابد. با مخالفت سعودی های با میانجیگری طرف های ثالث از جمله تونس و نیز به اعلام رسمی ایران و عربستان مبنی بر خودداری از منازعه مستقیم، محتمل ترین سناریو در آینده میان مدت، همچنان جنگ هیبریدی عربستان علیه ایران خواهد بود.

منابع

- احمدیان، حسن، ۱۳۹۶، «رویکردهای منطقه‌ای عربستان؛ تحول یا استمرار»، مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش شماره ۳۱۲، مرداد.
- احمدیان، حسن، ۱۳۹۵، «تحول در سیاست خارجی عربستان؛ آورده های ملک سلمان»، روابط خارجی، شماره شماره ۳۲.
- امیر احمدی، هوشنگ و منوچهر پروین، ۱۳۸۲، ایران پس از انقلاب، ترجمه علی مرشدی زاده، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران. چ ۲.
- برزگر، کیهان و مسعود رضایی، ۱۳۹۵، «راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت الله خامنه‌ای»، مطالعات راهبردی، ش ۷۴
- التعاون الخليجي يعتبر حزب الله منظمة إرهابية، <http://www.aljazeera.net/news/arabic/11/3/2016>
- الجامعة العربية تصنف حزب الله منظمة إرهابية، <http://www.alarabiya.net/ar/arab-and-world/2/3/2016>
- جنگ ترکیبی، ویکیپدیا، قابل دسترسی در: <https://fa.wikipedia.org/wiki>

دهشیار، حسین (۱۳۹۴). «عربستان؛ کنشگر توسعه طلب»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۰۲. مؤسسه اطلاعات.

سیفی، عبدالمجید و ناصر پورحسن (۱۳۹۵). «موازنه همه جانبه» و ائتلاف سازی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره ۲۶. دانشگاه آزاد اسلامی.

شکوهی، سعید (۱۳۹۵). «نقش برداشت‌های نخبگان در تنش میان ایران و عربستان سعودی»، سیاست جهانی، سال پنجم، شماره ۴. دانشگاه گیلان.

شیرازی، ابوالحسن (۱۳۹۴). میزان سنجی تاثیر عنصر رقابت بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۴. دانشگاه بین المللی امام خمینی.

ظاهر مصلح، عمار (۲۰۰۹). «العلاقات السعودية الإيرانية»، ۱۹۷۹-۱۹۹۱م، مجلة أبحاث كلية التربية الأساسية، المجلد ۹، العدد ۳. جامعة الموصل.

کرونین، استفانی (۱۳۹۴). ارتش و دولت سازی در خاورمیانه مدرن: سیاست، ناسیونالیسم و اصلاحات نظامی، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی وزارت امور خارجه.

ولگی، توماس و دیگران (۱۳۹۵). سیاست خارجی و جایگاه قدرت‌های بزرگ، ترجمه عبدالمجید سیفی و شهرزاد مفتوح، تهران: قومس.

AGSIW, (2017) Saudi Arabia Transforming: Conference Report, Event Report ,1-2017, Available at: http://www.agsiw.org/wp-content/uploads/2017/06/Saudi-Arabia-Transforming_ONLINE.pdf

Al-Badi, Awadh, (2017). Saudi-Iranian Relations: A Troubled Trajectory, in Bahgat, Gawdat anad et al , Security and Bilateral Issues between Iran and its Arab Neighbours , Neighbours Palgrave Macmilla.

Al-Saud, Faisal bin Salman ,(2003). Iran, Saudi Arabia and the Gulf, Power Politics in Transition 1968° 1971, London: Tauris.

Arab states issue 13 demands to end Qatar-Gulf crisis,(12 July 2017), <http://www.aljazeera.com/news/2017/06/arab-states-issue-list-demands-qatar-crisis-170623022133024.html>

Arabnews,(3May 2017) . No room for dialogue with Iran: Deputy Crown Prince Mohammed bin Salman, Available at: <http://www.arabnews.com/node/1093611/saudi-arabia>

- Chambers, John, (2016). Countering Gray-Zone Hybrid Threats, Available at: <https://mwi.usma.edu/wp-content/uploads/2016/10/Countering-Gray-Zone-Hybrid-Threats.pdf>.
- CNN,(7 May 2016). Saudi prince: Getting nukes an option if Iran breaks deal, Available At: <http://edition.cnn.com/2016/05/06/politics/saudi-israel-officials-talk-nuclear-u-s-/?ref=yfp>.
- Final Communique Of The 13th Islamic Summit Of The Heads Of State/Government Of The OIC Member States(15/04/2016). Available At: http://www.oic-oci.org/oicv3/topic/?t_id=11093&t_ref=4364&lan=envd
- Full speech of King Salman at the end of President Trump's visit,(22 May 2017). Available At: <http://www.arabnews.com/node/1102971/saudi-arabia>.
- Grumet, Tali. R ,(2015).New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran s Rivalry, A Thesis Presented to The Faculty of the Joseph Korbel School of International Studies University of Denver, In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Arts.
- <http://saudigazette.com.sa/article/158797/Tehran-concealing-its-failures-Rajavi>
- <http://www.arabnews.com/node/951391/world>
- <http://www.mehrnews.com/news/3710779>
- Jahner, Ariel,(2012).Saudi Arabia and Iran: The Struggle for Power and Influence in the Gulf, International Affairs Review, Vol xx,No.3.
- Lovelace, Douglas,2016, Hybrid Warfare and the Gray Zone Threat,Oxford University Press, 2016
- Marcel, Mihai(2016). A New Typology of War-The Hybrid War ,Military Art and Science REVISTA ACADEMIEI FOR ELOR TERESTRE NR. 1(81)
- Munich Security Report(2015). Munich Security Report :Collapsing Order, Reluctant Guardians? Available at: https://www.securityconference.de/fileadmin/MunichSecurityReport/MunichSecurityReport_2015.pdf
- Murray, Williamson and Peter Mansoor, eds(2012). Hybrid Warfare: Fighting Complex Opponents from the Ancient World to the Present, New York, NY: Cambridge University Press.

President Trump s Speech to the Arab Islamic American Summit,(May 21, 2017).

Available at: <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2017/05/21/president-trumps-speech-arab-islamic-american-summit>.

Saikal, Amin (Edited by),(2016). The Middle East and North Africa: An Arena of Change and Transition? in,The Arab World and Iran: A Turbulent Region in Transition,Palgrave Macmillan.

SIPRI Fact Sheet,(2017),TRENDS IN WORLD MILITARY EXPENDITURE, 2016,Availableat:<https://www.sipri.org/sites/default/files/Trends-world-military-expenditure-2016.pdf>

